

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایرا (توفان)

۲۵ مارچ ۲۰۲۱

پیش زمینه‌های تحولات میانمار و سوء استفاده از ابزار دموکراسی

نشریه «دنیای اقتصاد» در ۲۰ اسفند [حوت] ۱۳۹۹ نوشت: ««کورتنی هیلسون» (Courtney Hillson)، معاون فرماندهی اطلاعات نیروی بحری امریکا، گفت که نیروی بحری امریکا از رشد نیروی بحری چین چه از لحاظ ظرفیت و چه از لحاظ توانائی نگران است، اما صرف نظر از آن، ناوگان امریکا به انجام عملیات خود در آب‌های مورد منازعه در بحیره چین جنوبی، که بیجینگ معتقد است بخشی از قلمروش می‌باشد، ادامه می‌دهد. وی در ادامه گفت: «نیروی بحری امریکا به عملیات در هر جایی که قوانین بین‌المللی اجازه می‌دهد، ادامه خواهد داد. ما در حال کار با متحدان و شرکاء برای مقابله با رفتار مخرب چین و بازدارندگی در مقابل آن هستیم».

البته دولت امریکا به هیچ قانون بین‌المللی تعهدی ندارد، مسؤولیتی نمی‌پذیرد و هم اکنون راهزنانه اقیانوس‌پیماهای نفتی ایران را در آب‌های بین‌المللی متوقف ساخته، نفت آن را تخلیه نموده و می‌دزدد و به کسی هم حساب پس نمی‌دهد. در تأیید این سیاست ستراتیژیک امریکا در اقیانوس آرام و هند به ضد کشور چین بعد از استقرار «جو بایدن» در کاخ سفید، دولت المان به عنوان متحد وی و عضو مهم پیمان تلافی‌جویانه و تجاوزکارانه ناتو، ناوچه جنگی «بایرن» را از طریق شاخ افریقا به سمت، اقیانوس هند، تنگه مالاکا و به سمت استرالیا اعزام کرد، که باید هشدارباشی به دولت چین برای فعالیت‌های نظامی‌اش در بحیره چین محسوب شود. دولت امریکا خود را برای درگیری در اختلافاتی، که در بحیره چین میان ویتنام، فیلیپین، مالزی، برونئی با چین بر سر مالکیت حدود مرزی بحری وجود دارد، آماده می‌کند. وزیر دفاع المان خانم «آنگرت کرامپ کارنبائر» در سخنرانی خویش در دانشگاه ارتش المان در مونیخ با حمایت از سیاست تجاوزکارانه امریکا اظهار داشت: «شرکای المان در منطقه هند و اقیانوس آرام قبل از همه استرالیا، جاپان، کوریای جنوبی و همچنین حتی هندوستان» خود را از ادعاهای توسعه‌طلبانه چین به نحو فزاینده‌ای تحت فشار احساس می‌کنند»، آنها از ما «بر روشنی انتظار یک اقدام همبستگی دارند»، لذا زمان آن فرا رسیده است که «ما به متحدانمان در منطقه حضور خود را نشان دهیم».

چین در سال گذشته ۷ درصد رشد اقتصادی داشته و بر اساس اطلاعات روزنامه «زودویچه سایتونگ»، مؤرخ ۵/۳/۲۰۲۱: «بودجه نظامی‌اش در سال ۲۰۱۹ برابر ۲۶۱ میلیارد دالر بوده است». این خانم وزیر دفاع محافظه‌کار، ارتجاعی و دست راستی المان خود را برای مهار چین و کنترل آب‌ها و تنگه‌های بحری از جمله تنگه هرمز،

باب‌المندب، کانال سوئز و مالاکا از هم اکنون آماده می‌کند. ۹۰ درصد تجارت جهانی از طریق راه‌های بحری انجام می‌گیرد، این است که تسلط بر تنگه‌ها و راه‌های بحری برای سلطه‌ی راهزنانه‌ی امریکا و اروپا بر جهان و نقض حقوق دولت‌ها و ملت‌ها حائز اهمیت است. کنترل این راه‌ها در واقع کنترل جریان‌های حیاتی اقتصادی چین می‌باشد که به بزرگترین قدرت اقتصادی در زمان بحران کرونا بدل شده و منبع تولید بسیاری از کالاهای جهان است. چین نیز به این خطر آگاه است و نه تنها نیروی بحری و هوایی خویش را تقویت نموده است، بلکه می‌کوشد اهمیت تنگه‌ی مالاکا میان مالزی و ویتنام را، که محل عبور همه‌ی کشتی‌های نظامی و تجارتی از افریقا، اروپا و آسیا به اقیانوس آرام است، برای کشور چین به حداقل برساند. هر سال بیش از ۵۰ هزار کشتی از تنگه‌ی «مالاکا» عبور می‌کنند و کسی که بر این آب‌ها کنترل داشته باشد، در حقیقت گلوگاه عبور انرژی به چین را در دست خواهد داشت. این تنگه، اقیانوس‌های هند و آرام را به هم وصل می‌کند و کوتاهترین مسیر بحری میان خلیج فارس و چین است و بیش از ۸۰ درصد از واردات نفتی چین از این تنگه صورت می‌گیرد.

اهمیت میانمار برای چین سواحل آبی این کشور، دسترسی بحری به یکی از بزرگترین آبراه‌های ستراتیژیک جهان، یعنی آب‌های سواحل تنگه‌ی «مالاکا» است. دولت چین دارای منافع تجاری و سیاسی ستراتیژیک در میانمار است و در قالب جاده‌ی ابریشم برنامه‌ی اقتصادی - سیاسی «پروژه‌ی یک کمربند و یک جاده» را که آب‌های اقیانوس هند را به چین از طریق این جاده زیربنایی می‌گشاید، به تحقق درمی‌آورد.

دور زدن تنگه‌ی «مالاکا» و بی‌ارزش کردن قدرت بحری امریکا، یکی از سیاست‌های ستراتیژیک چین است. در این راستا کشیدن جاده‌ی ابریشم از طریق روسیه و ایران به اروپا و یا ایجاد بندر وارداتی در کشور همسایه‌اش میانمار و کشیدن جاده و قطار از آنجا به چین تا تنگه‌ی مالاکا را دور بزند و قدرت نیروی بحری نظامی امریکا را بی‌اثر کند، دارای اهمیت فزاینده‌ای برای چین می‌شود.

به این جهت همه‌ی تحولاتی که در آینده در مورد ایران برای تخریب جاده‌ی ابریشم با سیاست نان قندی و شلاق امریکا با همدستی متحدان داخلی‌اش صورت می‌گیرد و یا شورش در میانمار، که به عنوان دفاع از دموکراسی خانم «آنگ سان سوچی»، که قاتل ده‌ها هزار مردم مسلمان «روهینگیا» در میانمار بوده و در نسل‌کشی مسلمانان دست داشته و راهبه‌های بودائی متعصب را به آدم‌کشی ترغیب می‌کرده است، جا زده می‌شود، باید در زمره‌ی این سیاست‌ها محسوب کرد.

کار تحقق دموکراسی امریکائی در میانمار به آن افتضاحی کشید که در تاریخ ۱۳/۱۱/۲۰۱۸ بر اساس گزارش «یورو نیوز»: «عفو بین‌الملل روز دوشنبه عالی‌ترین جایزه‌ی این سازمان را، که پیش از این به «آنگ سان سوچی»، رهبر حزب حاکم میانمار، اهداء شده بود، از وی پس گرفت.».

در مارچ ۲۰۱۸، موزه‌ی یادبود هولوکاست ایالات متحده جایزه‌ی الی ویزل سوکی را که در سال ۲۰۱۲ به خانم «سان سوچی» اعطا شده بود، با استناد به عدم «محکوم و متوقف کردن عملیات وحشیانه ارتش» علیه مسلمانان روهینگیا، لغو کرد.

در ماه مه ۲۰۱۸ توسط «کمیته‌ی رشد بین‌المللی» خانم «آنگ سان سوچی» به همدستی در جنایات علیه روهینگیاها محکوم شد. انگلستان در اگست ۲۰۱۸ جایزه‌ی آزادی ادینبورگ را که به خانم «سان سوچی» اعطا کرده بود به دلیل امتناع وی از اعتراض علیه جنایات مستمر به ضد مسلمانان روهینگیا از وی سلب کرد.

در اوایل اکتوبر ۲۰۱۸، هم سنای کانادا و هم مجلس عوام آن؛ به اتفاق آراء رأی دادند که تابعیت افتخاری خانم «آنگ سان سوچی» را از او سلب می‌کنند. این تصمیم دولت کانادا مبنی بر این تحلیل بود که کشتار مسلمانان روهینگیا به معنی نسل‌کشی تعریف می‌شود.

این همان دموکراسی «بودائی» و «دالای‌لامائی» است که امریکا موافق آن است. دموکراسی ناب و بدون مضمون، دموکراسی به ضد حقوق بشر. مگر نه این است که اهالی میانمار با یاری ارتش و دولت و حزب حاکم «اتحادیه ملی برای دموکراسی» به صورت «آزادانه و دموکراتیک» به نسل‌کشی دست زدند. تمام قوای سه‌گانه میانمار با این اقدام موافق بودند. مضحک این است که دموکراسی امریکائی برای مسلمانان میانمار همان حقوقی را قایل نیست که برای اویغورها در شمال غربی چین قایل بوده و آن را می‌طلبد و برایشان اشک تمساح می‌ریزد. مضحک است که غرب کودتای اخیر میانمار توسط جنرال‌ها را نقض دموکراسی جلوه می‌دهد. کدام دموکراسی؟ دموکراسی و آزادی در قتل‌عام مسلمانان؟!

پس هم تحولات آتی ایران و هم تحولات میانمار را باید از جمله از این زاویه ستراتیژیک و مهم نیز بررسی کرد، در غیر این صورت در سیاست به خرده‌کاری و غوطه‌ور شدن در ذهنی‌گری و متافزیک دچار می‌شویم و جنگل را از دیده فرو می‌گذاریم. بی‌جهت نیست که در شورای امنیت ملل متحد دولت چین از محکومیت کودتای جنرال‌ها جلوگیری کرد و آن را امر داخلی میانمار جلوه می‌دهد. سخنگوی دولت چین ابراز داشت که آنها با حکومت قبلی نیز روابط حسنه داشته‌اند و این سیاست را در مورد حکومت‌ها ادامه می‌دهند. آنها تمایل دارند که با حکومت فعلی و یا آتی میانمار نیز این روابط را حفظ کنند. به دیگر سخن برای چین منافع اقتصادی و سیاسی‌اش در درجه نخست قرار دارد و سیاست‌هایش را در جهان بر این اساس تعیین می‌کند. خبرگزاری‌ها در این زمینه اعلام کردند:

«چین به عنوان یکی از همسایگان میانمار پس از این کودتا ابتداء ترجیح داد واکنش سریعی به این موضوع نداشته باشد. «وانگ ون بین» در کنفرانس خبری روز دوشنبه ابراز امیدواری کرد که همه طرف‌های درگیری در میانمار اختلافات را به درستی مدیریت کنند. روز سه شنبه نیز این مقام چینی موضع معمول بیجینگ در عرصه بین‌المللی را تکرار و بدون حمایت از طرف خاصی از جامعه بین‌الملل خواست تا به استقرار ثبات در میانمار کمک کنند».

چین مایل نیست خلاف میل زمامداران حاکم میانمار، موضعی اتخاذ نماید که به این روابط صدمه زند و مانع نفوذ بیشتر آنها در این سرزمین شود. آنها تمایل دارند از جای پای محکم‌تری برخوردار گردند.

در ایران نیز یاران امریکا تلاش می‌کنند تا جای پای این امپریالیسم غارتگر را به ایران بازگردانند و تمام زمینه‌های لازم را برای این که حقوق مسلم ایران زیر پا گذاشته شوند، فراهم آورند. این یاران امریکا حاضرند به هر حقارتی تن در دهند و به منافع ملی ایران خیانت کنند. امریکا از این اصلاح طلبان امریکائی به سختی حمایت می‌کند. مسلماً در مافیای قدرت بخش بزرگی هستند که بقاء وضعیت فعلی را به مصالح کشور ما ایران ترجیح می‌دهند. بی‌خود نیست که «روحانی» و دوستانشان، که اساساً برای همدستی و توافق با امریکا بر سر کار آمده بودند، در این عرصه فعال‌اند و به مبلغ خیانت ملی بدل شده‌اند. امریکا همانگونه که در میانمار به تلاش‌های «دموکراتیک» برای بازگرداندن خانم آدمکشی به نام «سان سوچی» بر سر کار ادامه می‌دهد تا از نفوذ چین بکاهد در ایران نیز برای مقابله با کشیدن جاده ابریشم با آمدن «بایدن» بر سر قدرت دست به کار شده است. رژیم حاکم در ایران نیز کوچکترین شفافیتی برای مردم و داوری عمومی در مورد توافقنامه همکاری ۲۵ ساله با چین ایجاد نمی‌کند. سیاست امریکا در میانمار و ایران مکمل هم هستند.

به وضعیت میانمار باز گردیم و به یک نکته مهمی در تاریخ این کشور اشاره کنیم. این خانم «سان سوچی»، که در حبس خانگی به سر می‌برد، با فشار تحریم و سیاسی امریکا در سال ۲۰۱۱ از حبس خانگی به درآمد. خانم «هیلری کلینتن»، وزیر امور خارجه امریکا، در سفرش در همان سال ۲۰۱۱ به برمه (نام قبلی میانمار- توفان) با دخالت آشکار و گستاخانه در امور داخلی برمه، از حکام وقت خواست که خانم «سان سوچی» را آزاد کرده و «اصلاحات» مورد تأیید امریکا را به انجام رسانده و قرارداد سد «میتسون» را - که رسماً با دولت چین بسته بودند و این پروژه مهم اقتصادی حدود ۳،۶ میلیارد دالر هزینه برداشته بود - برای ممانعت از افزایش نفوذ چین در میانمار ملغی نمایند. فشار دولت امریکا از نظر جهانی، منطقه‌ای و بسیج خیابانی با یاری راهبان بودایی به حدی بود که دولت میانمار تسلیم شد و حق حاکمیت و غرور ملی خویش را از دست داد. این خانم «هیلری کلینتن»، وزیر امور خارجه وقت امریکا بود که در مرکز پایتخت میانمار سیاست اقتصادی، داخلی و خارجی این کشور را تعیین می‌کرد و هرگز مورد اعتراض خانم «سان سوچی» «ملی و دموکرات» و متحدانشان قرار نگرفت.

این سفر در تاریخ پنجشنبه (۱ دسمبر ۲۰۱۱ برابر ۱۰ آذر ۱۳۸۹) انجام شد و ناظران در آن زمان سفر «کلینتن» به برمه را نشانه‌ای از سیاست‌های جدید امریکا در قبال کشورهای آسیایی و خوشبینی و اشنگتن نسبت به روند تحولات این کشور ارزیابی کردند. او بالاترین مقام سیاسی امریکاست که در نیم قرن گذشته پا به خاک برمه گذاشته است. در عین حال دیپلمات‌های امریکائی می‌گفتند این کشور هنوز تصمیمی در مورد لغو تحریم‌های اقتصادی علیه برمه نگرفته و این امر بستگی به ادامه و تعمیق اصلاحات خواهد داشت.

«گرهارد ویل»، کارشناس مسائل آسیا، اعتقاد داشت که سفر «کلینتن»، در ضمن پیامی به چین است. او در گفت‌وگو با «دویچه‌وله» گفته بود، واشنگتن قصد دارد به پکن گوشزد کند که ایالات متحده امریکا اکنون حتا در کشوری، که چین در آن نقشی تعیین کننده داشته، حضوری فعال دارد.

هشدارهای که امریکا در زمان «بارک اوباما» به چین داد، امروز با روی کار آمدن «جو بایدن» تشدید شده است. مبارزه با چین در دستور روز امریکاست و تحولات میانمار را که در خدمت محاصره بحری چین و ضربه زدن به پروژه جاده ابریشم است، از این منظر باید نگریست.

برگرفته از توفان شماره ۲۵۳ فروردین ماه ۱۴۰۰ مارچ ۲۰۲۱

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)